

الگوی اکتشافی گرایش دانشجویان ایرانی به تحصیل و اشتغال در خارج از کشور

An Exploratory Model for the Propensity on the Part of Iranian Students to Study and Work Abroad

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۱۷

Esmail Jafari
Jamile Alamalhoda
Nasrin Homayouni Bakhshayesh

اسماعیل جعفری *
جمیله علم‌الهدی **
نسرین همایونی بخشایش ***

Abstract: The present research endeavors to present an exploratory model for the tendency of young researchers to study and work abroad applying a grounded method and qualitative approach. The required data were collected through in-depth interviews and then analyzed using Glaser method. The 16 participants selected for the interviews were chosen using purposeful sampling. The results of the research identified 67 indicators, 12 concepts, and 6 categories from the interviews which were fit into paradigm model including economic conditions as the central phenomenon, domestic problems and destination country attractions as the causal conditions, problems in the destination country as the intervening conditions, the immigration process occurrences as the strategies, and personal benefit and social forfeitures as the consequences, making up the basic tenets of this model.

Keywords: Students, Propensity to Study, Propensity to Work, Abroad, Grounded theory.

چکیده: این پژوهش با هدف ارائه الگوی اکتشافی برای بررسی گرایش دانش‌پژوهان جوان به تحصیل و اشتغال در خارج از کشور با روش داده‌بنیاد اجرا شده است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و داده‌های لازم از طریق مصاحبه ژرف‌نگر، گردآوری و متن مصاحبه‌ها به روش کلاسی، بررسی شده است. مشارکت‌کنندگان مورد نظر این پژوهش ۱۶ نفر از دانش‌پژوهان بودند که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده استخراج ۶۷ نشانگر، احصاء ۱۲ مفهوم و ۶ مقوله از مصاحبه‌ها بود که در قالب الگوی پارادیمی شامل شرایط اقتصادی به‌عنوان مقوله محوری و دافعه‌های داخلی و جذابیت‌های کشورهای مقصد از منظر دانشجویان به‌عنوان شرایط علی، ویژگی‌های فرد مهاجر به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، مشکلات کشور به‌عنوان شرایط میانجی، جریان‌ات روند مهاجرت به‌عنوان راهبردها و سود فردی و ضرر اجتماعی به‌عنوان پیامدها، جایگاه‌های اساسی را در این الگو به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی: دانش‌پژوهان، گرایش به تحصیل، گرایش به کار، خارج از کشور، نظریه داده‌بنیاد.

* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول):

(phd_136287@yahoo.com)

** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

اندیشه خروج از کشور و اقامت در برخی کشورها برای کار یا اشتغال رویایی است که به راحتی می‌توان در اندیشه‌های بسیاری از دانش‌آموختگان یا دانشجویان یافت؛ اما این تنها یک رؤیا نیست و در آمار و ارقام معتبر نیز رخ نموده است. برای پاسخ به این مسئله در پژوهش‌های مختلف دلایلی گاه متفاوت و گاه همسان ذکر شده است؛ اما به‌راستی چرا؟

سال‌هاست که رقابت بر سر منابع طبیعی جای خود را به رقابت بر سر منابع انسانی داده است. اهمیت نیروی انسانی برای کشف و توسعه علم، فناوری و پیشرفت جوامع تا حدی است که به نظر می‌رسد بازار معاملات نیروی انسانی پرشورتر از بازار کالا یا انرژی است؛ البته این مسئله، مفهومی منحصر به ایران یا کشورهای توسعه نیافته نیست و بر اساس برخی اخبار و آمار جهانی گاه اسامی کشورهای چین، یونان و حتی انگلستان در لیست کشورهای با بیشترین مهاجرت سرمایه انسانی دیده می‌شود (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۶)؛ نکته جالب‌تر اینکه این مسئله مربوط به چند دهه اخیر یا سر کار آمدن حزب یا تشکیلات خاصی نیست و از همان اوان اعزام دانشجویان به خارج از کشور در سال ۱۸۱۱ (عزیزی، عزیزی و فرزی، ۱۳۹۳) این مسئله و مشکلات ناشی از آن کم‌وبیش مورد توجه بوده است. این مسئله از جنبه‌های گوناگون می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال، برخی از مطالعات این پدیده را با رویکردی اقتصادی نگریسته‌اند، برخی دیگر از دیدگاه سیاسی و برخی نیز بعد فرهنگی و حتی بعد جایگزینی منابع انسانی مهاجرت را کنکاش کرده‌اند (دوکویبر و راپوپورت، ۲۰۱۲).

در مورد عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور، علل متنوعی در پژوهش‌های مختلف مورد توجه بوده است، مانند؛ نگرانی والدین از آینده فرزندان، عوامل سیاسی و اقتصادی (زینوویوا، فلگورسو و وازکوا، ۲۰۱۴؛ بردتمن، مارتینز و اوتن، ۲۰۱۹)، مسائل رفاهی (داستمن و پرستون^۴، ۲۰۰۷)، نوع

1. Docquier & Rapoport

2. Zinovyeva, Felgueroso & Vazquez

3. Bredtmann, Martínez Flores & Otten

4. Dustmann & Preston

استخدام (والدن و فور، ۲۰۱۳)، بیکاری، دستمزد نیروی کار و شکاف شاخص رفاهی بین ایران و اروپا (شاه‌آبادی، کریم کشته و محمودی، ۱۳۸۵؛ سیکیریسکی، لیما و برینی، ۲۰۱۸)، دسترسی به شرایط کاری مناسب‌تر (گودا و همکاران، ۲۰۱۵؛ دجاجیک، دوکویر و مایکل، ۲۰۱۸؛ کرسکو و رویزکاستیلو، ۲۰۱۸)، جهانی شدن (کاولیاک و سویریدنکو، ۲۰۱۷؛ میهی-رایمرز و کامپیکیت، ۲۰۱۴)، استفاده از تسهیلات تحصیلی کشورهای پیشرفته (باچر، ۲۰۰۴؛ گلدستین و همکاران، ۲۰۱۸)، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، جایگاه علم و پژوهش، جایگاه زنان تحصیل کرده، (شیری و شاهمرادی، ۱۳۸۹)، مقدمه‌سازی برای اقامت دائم (باس، ۲۰۰۶)، احساس تعلق به وطن و نگرش به حقوق بشر (نیازی، ۱۳۸۶)، عوامل جمعیت‌شناختی، آرزوها و تجربه زندگی در مقصد (لو، زونگ و اسچیسل، ۲۰۰۹) و ویژگی‌های فردی (صادقی و افقی، ۱۳۸۴).

بر اساس نظریاتی با سابقه بیشتر، مهاجرت نخبگان توسط مهاجرت دانشجویان به این شکل فارغ از نخبه بودن یا نبودن پیامدهایی نیز دارد، چون: هدر رفتن هزینه آموزش، تضعیف رشد دانش، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته‌های علمی در جهت حل مسائل و مشکلات و... (حاتمی، جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۱)؛ البته نظرات متفاوتی نیز در این زمینه ارائه شده است با اتکا بر این نگاه، تحصیل کرده‌ها و نیروی انسانی زمانی که به‌عنوان سرمایه ملت، مهاجرت می‌کنند و در گردونه اشتغال، علم و توسعه ملتی دیگر قرار می‌گیرند و نتیجه عمل خودشان را به شکل ارزش افزوده علمی یا افزوده مالی به کشور خودشان برمی‌گردانند؛ در نتیجه این فرایند مهاجرت نخبگان لزوماً تهدیدی برای جوامع در حال توسعه نیست بلکه اتفاقاً می‌تواند

1. Walden & Foor

2. Siekierski, Lima & Borini

3. Gouda et al

4. Djajic, Docquier & Michael

5. Carrasco & Ruiz-Castillo

6. Kyvliuk & Svyrydenko

7. Mihi-Ramirez & Kumpikaite

8. Butcher

9. Goldstein

10. Baas

11. Lu, Zong & Schissel

فرصتی برای کشورهای توسعه‌یافته یا نیافته باشد تا آنها با درک مفهوم شبکه و شراکتی شدن جریان دانش، با بهره‌وری از سرمایه انسانی نخبگان خود در این جریان سهمی داشته باشند؛ (خسروی، راستی برزکی و مهدوی، ۱۳۸۹). این نگرش هرچند در سال‌های اخیر با مطرح شدن بزرگانی چون مریم میرزاخانی به‌عنوان شخصیت‌های جهانی تأثیرگذار در پژوهش‌های داخلی نیز منعکس شده است؛ لیکن مطابق طبق آمار صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال ۲۰۰۹، فرار مغزها هر سال ۲ برابر درآمد نفتی به اقتصاد ایران زیان می‌رساند (سلامت‌نیوز، ۱۳۹۴). با یک برآورد ساده، می‌توان دریافت که خروج این سرمایه چه زنگ خطری برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به حساب می‌آید؛ زیرا نه تنها این کشور را با تنگنای نیروی انسانی ماهر روبه‌رو می‌کند که جبران آن بسیار مشکل است، بلکه وابستگی کشور را نیز به کشورهای صنعتی هر روز افزون‌تر می‌کند و شاید به همین دلیل است که کشورهای غربی در غالب طرح‌هایی مانند تشکیل «نژادی با مغزهای بزرگ» (سا و سبزالیوا، ۲۰۱۸) با ارائه تسهیلاتی سعی در جذب دانشجویان ایرانی، به‌ویژه از دانشگاه‌های برتر دارند.

با توجه به نتایج ناشی از این مسئله و توجه به آن در پژوهش‌های متفاوت آنچه پژوهشگران حاضر را بر آن داشت تا بررسی جدیدی در این باب انجام دهند، توجه به چند نکته بود: اولاً نگاهی گذرا به پژوهش‌های صورت گرفته در این موضوع مشخص می‌کند که هر پژوهشی به مسئله مهاجرت دانشجویان، تنها از جنبه‌ای خاص نگریسته است که این نوع نگرش با بحث تخصصی شدن در تمامی امور و موضوعات همخوانی دارد؛ اما با توجه به پیرنگ بودن جنبه انسانی مسئله، مسلماً عوامل بسیاری در موضوع دخیل هستند و تأثیر عوامل بر یکدیگر نیز قابل انکار است؛ لذا نگرش یک‌سویه علاوه بر اینکه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند تصویری کامل از موضوع ارائه دهد این تهدید را نیز در پی دارد که با پرداختن به ابعاد آشکار مبحث، پنهان ماندن ابعاد تاریک‌تر موضوع حاصل شود و حقیقت امر را نیز مورد تهدید قرار دهد. در این باب پژوهش‌های خارجی نیز با اینکه افق‌های جدید را در مورد موضوع معرفی می‌کنند، مسلماً تنها متناسب با جامعه خود هستند؛ نکته دیگر این پژوهش‌ها،

1. Great brain race

2. Sá & Sabzalieva

توجه به مسئله نخبگان است که با تعریف جامعه پژوهش حاضر متفاوت است و مسلم اینکه این قشر از افراد جامعه در مورد دریافت پذیرش در کشور مقصد و به طور کلی روند مهاجرت، مسلماً مشکلات کمتری را تجربه می‌کنند در حالی که جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر با شرایط و علل متنوع تری قدم در این راه می‌گذارند و در نهایت ممکن است نتایج متفاوتی را نیز کسب کنند؛ نکته پایانی استفاده از روش داده‌بنیاد در کسب و تحلیل داده‌هاست که در هیچ کدام از پژوهش‌های اجرا شده مورد استفاده قرار نگرفته و امید است تا با این روش نتایج جدیدی نیز حاصل شود؛ در واقع در پژوهش حاضر قصد بر این است تا با ارائه یک الگوی بومی و با نگاهی کل‌گرایانه، علل گسترده موضوع تبیین شود. این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند با شناخت دقیق مسئله راهکارهایی ارائه دهند تا بتوان مسئله مهاجرت دانش‌پژوهان را تعدیل یا به نفع منافع کشور کنترل کرد و از آنجا که این پژوهش به صورت استقرایی، اکتشافی، بر اساس داده‌های واقعی و به شکلی نظام‌مند تدوین می‌شود (کرسول، ۱۳۹۴)، از نتایج آن می‌توان در تمام مؤسسات آموزشی عالی و تمامی مؤسساتی که به نوعی در ارتباط با نوجوانان و جوانان قرار دارند، استفاده کرد. پرسش اصلی پژوهش این است که شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی، استراتژی‌ها و پیامدهای گرایش دانش‌پژوهان جوان به تحصیل و اشتغال در خارج از کشور در قالب یک الگوی اکتشافی چیست؟

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

مهاجرت نیروی انسانی، موضوع بسیاری از علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است؛ لذا آرا و نظریات گوناگونی درباره آن مطرح شده است: از جمله نظریه محرومیت نسبی، جهانی شدن، نظریه نظام آموزش اقتباسی، نظریه بحران منزلتی، الگوی جهان‌گرا، الگوی ملی‌گرا و نظریه جاذبه و دافعه. از این بین، نظریه جاذبه و دافعه به دلیل فراگیر بودن بیشتر مورد توجه بوده است. بر اساس این نظریه در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (جانعلیزاده چوب‌بستی، علیوردی‌نیا و پورقاضی، ۱۳۹۳).

نظریه‌های اقتصادی نئوکلاسیک^۱ بر تفاوت دستمزدها و شرایط اشتغال بین کشورها و هزینه‌های مهاجرت تأکید می‌کنند؛ برعکس، نظریه اقتصاد جدید مهاجرت^۲ شرایط مختلفی را در بازار در نظر می‌گیرد و مهاجرت را تصمیم خانوار می‌داند که هدفش کاهش خطرات مربوط به درآمد خانواده است. نظریه بازار کار دوگانه^۳ و نظام جهانی^۴ تأکیدشان بر نیروهایی است که در سطوح بالاتر انباشت سرمایه عمل می‌کنند و نظریات بعدی دلیل حرکت‌های جمعیتی را پیامد طبیعی جهانی شدن اقتصاد و نفوذ بازار در سراسر مرزهای ملی می‌دانند (برومندزاده و نوبخت، ۱۳۹۶)؛ در جبهه‌ای متفاوت، نظریه چرخش مغزها اندیشه دیگری را حمایت می‌کند. این نظریه از چهار دیدگاه به سیاست‌های کشورهای مختلف در قبال نخبگان می‌نگرد: ۱. محصور کردن نخبگان: کشورها نه تنها به دنبال آموزش و پرورش شهروندان هستند بلکه تلاش می‌کنند آنها را در مرزهای ملی خویش حفظ کنند تا از آنان در توسعه کشور خود استفاده کنند؛ ۲. جذب نخبگان: کشورها قادر به تولید نیروی کار کافی برای همه بخش‌های اقتصادی خود نیستند؛ آنها به وارد کردن نیروی کار خارجی از مسیرهای مختلف نیاز دارند؛ ۳. گردش نخبگان: بیشتر کشورها جوانان خود را به منظور بازگرداندن آنها به کشور، برای تحصیل در خارج از کشور می‌فرستند؛ ۴. پیوند با نخبگان: با وجود تلاش برای بازگشت نخبگان به کشور، برخی نخبگان تصمیم می‌گیرند که پس از تحصیل در کشور میزبان باقی بمانند، این دانشجویان، ممکن است از طریق بازدیدهای کاری یا حتی اقامت کوتاه‌مدت، با کشور خودشان ارتباط برقرار کنند که پیوند با نخبگان تعریف می‌شود (شین و مون، ۲۰۱۸).

در داخل کشور، جانعلیزاده چوب‌دستی و همکاران (۱۳۹۵) عوامل مهاجرت را بررسی کرده‌اند. از دیدگاه آزمودنی‌های این پژوهش، بیشتر عوامل و شرایط این مهاجرت به نحوه عمل عامل‌های اجتماعی در بیرون فضای علم مربوط می‌شود تا عوامل و شیوه‌های مربوط به شرایط اجتماعی داخل فضا و نهاد علم. جوادزاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود عوامل اجتماعی بر مبنای سه متغیر اصلی سبک زندگی،

1. Neoclassical Economics

2. New Economics of Migration

3. Dual Labor Market

4. World System Theory

5. Shin & Moon

طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که بین طبقه اجتماعی و مهاجرت رابطه معنی‌داری وجود ندارد و بین ساخت اجتماعی ایران و مهاجرت نخبگان رابطه مستقیمی وجود دارد. حری، جلائی و حمزه‌نژاد (۱۳۹۴) اثر فرار مغزها را بر تولید و تجارت خارجی ایران مطالعه و بررسی کردند. برآورد مدل آنها نشان داد که فرار مغزها آثار منفی بر تولید و تجارت خارجی کشور در عرصه بین‌المللی بر جای می‌گذارد. در یک چرخش به سوی علل مهاجرت دختران به‌طور خاص، حاتمی و همکاران (۱۳۹۱) عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل‌کرده به مهاجرت به خارج از کشور را بررسی کردند. آنها دریافتند که عواملی مانند «بیکاری، نداشتن درآمد کافی، برخوردار نبودن از شغل متناسب با رشته تحصیلی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب، امنیت شغلی، امکانات، امکانات علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی و کمبود استادان متخصص، محدودیت زنان در انتخاب برخی از رشته‌های تحصیلی خاص و محدودیت آزادی فردی»، به‌گونه‌ای معنی‌دار به‌عنوان عوامل رانشی در مهاجرت دانشجویان دختر به خارج از کشور مؤثرند. شاه‌آبادی، سپهردوست و جامه‌بزرگی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود، با بررسی یکی از موضوعاتی که بر جریان خروج نخبگان از کشورهای درحال توسعه تأثیر قابل توجهی دارد، دریافت که حمایت از حقوق مالکیت فکری ارتباط منفی بر مهاجرت نخبگان در هر دو گروه کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته دارد.

در پژوهش‌های منتشر شده بین‌المللی، طیف گسترده‌تری از عوامل بررسی شده است؛ کاتانو، ملیجتی و پالری^۱ (۲۰۱۹) در نتایج پژوهش خود جستجوی فرصت‌های شغلی و علمی بهتر و بیکاری را از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت فارغ‌التحصیلان ایتالیایی برشمرده‌اند. هورنستیک تامیک و تیلور^۲ (۲۰۱۸) تأثیرات تغییرات در نظام آموزش و پرورش را از عوامل کلیدی در کاهش ناسازگاری برنامه‌های آموزشی و مهاجرت معرفی کرده‌اند. کاولیاک و سویریدنکو (۲۰۱۷) چالش «فرار مغزها» را در حوزه آموزش عالی اوکراین از دو منظر بررسی کرده‌اند: ۱. در چارچوب روند جهانی‌سازی؛ ۲. در چشم‌انداز تناقضات اجتماعی-فرهنگی پسا استعماری. همچنین، گودا و همکاران (۲۰۱۵) در یک مطالعه بین‌المللی، انگیزه مهاجرت دانشجویان

1. Cattaneo, Malighetti & Paleari

2. Hornstein Tomić & Taylor

پزشکی ایرلندی و عوامل مؤثر بر تصمیمات آنها را بررسی کرده‌اند است که عبارت بودند از: فرصت‌های شغلی بیشتر، شرایط کار مناسب‌تر و تغییر شیوه زندگی. میهی-رایمرز و کامپیکیت (۲۰۱۴) نیز مهاجرت را از دیدگاه دانشجویان اروپایی مورد بررسی قرار داده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که بین‌المللی شدن از مهم‌ترین ویژگی‌های جهان کنونی و از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت دانشجویان است. اینایتا، آریا و سارجونو پوترو^۱ (۲۰۱۲) به شبیه‌سازی کلی از مهاجرت نخبگان در اندونزی با هدف توضیح فرایند مهاجرت نخبگان و تخمین اثر سیاست‌های دولت بر آن از طریق مدل‌سازی پویایی‌های سیستمی اقدام کردند. به گفته آنها ابتدا عامل آموزش سبب مهاجرت شده و سپس عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت را تشکیل می‌دهند. سلمانی، طالقانی و تاتیان (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که عدالت، مسئله‌ای حیاتی در میان نخبگان علمی جامعه ایران است. مطالعه آنها نشان‌دهنده رابطه منفی بین عدالت اجتماعی و قصد مهاجرت (فرار مغزها) در ایران بود. ماریا و لازارووا^۲ (۲۰۱۱) شکاف توسعه فناوری و تفاوت دستمزد بین کشور مبدأ و مقصد را از عوامل مهاجرت نیروهای کار ماهر می‌دانند. عسگری^۳ (۲۰۱۱) علل مهاجرت مغزهای ایران به کشورهای OECD بر اساس مدل جاذبه^۴ را بررسی کرد و نتایج مطالعه وی نشان داد عواملی چون جمعیت، فاصله جغرافیایی، درآمد سرانه واقعی و مشارکت بخش خصوصی بر فرار مغزها اثرگذار است. نتایج پژوهش لو و همکاران (۲۰۰۹) نیز با تمرکز بر دانشجویان چینی مقطع کارشناسی دانشگاه ساسکاچوان در کانادا نشان داد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و روانی دانشجویان، تجربه‌های زندگی در کانادا، انتظارات والدین و نیز عوامل انگیزشی و آرزوها بر افزایش میزان مهاجرت مؤثر هستند. همچنین داستمن و پرستون (۲۰۰۷) در پژوهش خود سه مسیر متفاوت نگرش به مهاجرت را مورد توجه قرار دادند: نگرانی بازار کار، نگرانی‌های رفاهی و نگرانی‌های نژادی یا فرهنگی. باس (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود انگیزه‌های دانشجویان هندی را بررسی کرد که در

1. Inayati, Arai & Sarjono Putro

2. Maria & Lazarova

3. Asgari

4. Gravity Model

دانشگاه‌های استرالیا به‌عنوان دانشجویان خارجی تحصیل کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هدف اصلی آنها دستیابی به ویزای اقامت دائم در استرالیا بوده است؛ همین‌طور باچلر (۲۰۰۴) با بررسی مهاجران به نیوزلند دریافت که هدف مهاجران به نیوزیلند معافیت از پرداخت هزینه‌های کامل تحصیلی است. مرور پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچند توافق قطعی درباره علل گرایش دانشجویان برای مهاجرت وجود ندارد؛ اما متخصصان بر اساس موقعیت به عوامل متفاوتی دست یافته‌اند که می‌تواند در ترسیم الگوی نهایی این پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش

رویکرد کلی به پژوهش حاضر، رویکرد کیفی است که با استفاده از یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی یعنی داده بنیاد و با تکیه بر «رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین» اجرا شده است. جامعه مورد نظر این پژوهش، دانشجویانی بودند که به سفارت‌های کشورهای مختلف و همین‌طور سازمان امور دانشجویان برای اخذ ویزا و امور اداری، برای تحصیل یا کار مراجعه می‌کردند. افراد مورد مصاحبه بر اساس ارتباط با موضوع پژوهش و به سبب اطلاعات و دیدگاهی که درباره موضوع مورد مطالعه داشتند، به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب و در جریان پژوهش مشارکت داده شدند. معیارهای ورود به این مطالعه عبارت بود از: تمایل به اختصاص زمان و بیان نقطه نظرات خود نسبت به مفهوم مورد پژوهش. فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه یافت که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد و به عبارتی داده‌ها در ۱۳ مصاحبه به اشباع رسیدند و در ادامه ۳ مصاحبه صرفاً جهت اطمینان از یافته‌ها صورت گرفت. در این پژوهش به‌طور کلی ۱۶ مشارکت‌کننده (با اطمینان از به اشباع رسیدن داده‌ها و نبود مفاهیم و کدهای جدید) مشارکت داشتند.

به‌منظور گردآوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد و پرسش‌های خاصی از تمام مشارکت‌کنندگان پرسیده شد. باوجود این، به دلیل محاوره‌ای بودن مصاحبه، مصاحبه‌گر آزاد بود پرسش‌ها را تغییر دهد. مصاحبه با یک پرسش وسیع و کلی در مورد مسئله شروع شده و سپس پرسش‌های اکتشافی برای تشویق شرکت‌کننده و دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، پیش از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از هدف‌ها و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت و آگاهانه در پژوهش شرکت کردند. از آنها برای شرکت در

پژوهش و استفاده از ضبط صدا برای ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد. همچنین تأکید شد که در هر مرحله‌ای از پژوهش می‌توانند انصراف خود را از شرکت در پژوهش اعلام کنند و مشخصات آنان در طول پژوهش و پس‌از آن به صورت محرمانه حفظ می‌شود. مدت مصاحبه‌ها بین ۸-۷۲ دقیقه و در یک جلسه بود. مصاحبه‌های ضبط شده روی نوار، پس از گوش دادن چندین باره متن مصاحبه‌ها، پیاده شد و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه کار، روایی و دقت^۱ پژوهش، معتبر بودن^۲ اطمینان‌پذیری^۳ و قابلیت تأیید^۴ داده‌ها بررسی شد. برای تضمین معتبر بودن، یافته‌های این مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آنها نظرات خود را در مورد هماهنگی یافته‌ها با تجربیات خود به پژوهشگران ابراز کردند (بازگشت به منظور تعیین اعتبار). همچنین تعمق مشارکتی پیرامون مضمون‌های پدیدار شده^۵ توسط گروه پژوهش در مراحل مختلف مطالعه (حریری، ۱۳۸۵، ۶۶) انجام گرفت. پژوهشگران با حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش، قابلیت تأیید این پژوهش را تضمین کردند. علاقه‌مندی پژوهشگران به پدیده مورد مطالعه، تماس درازمدت با داده‌ها و همچنین، تلاش برای کسب نظرات دیگران در این زمینه از دیگر عوامل تضمین‌کننده قابلیت تأیید (عباس‌زاده، ۱۳۹۱) بودند.

یافته‌های پژوهش

این بخش از پژوهش به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از اجرای مصاحبه‌ها، اختصاص دارد. نخست داده‌های توصیفی مصاحبه‌شوندگان و در جدولی مقوله‌ها، مفاهیم و نشانگرها و سپس کدگذاری محوری و در بخش نتیجه‌گیری نیز کدگذاری محوری ارائه می‌شود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۶ دانشجو (۹ زن و ۷ مرد) با دامنه سنی ۲۴-۴۰ سال بودند. ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان در مقطع دکتری، ۳ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. از نظر شرایط تأهل، سه نفر از آنها متأهل بودند و ۶ نفر سابقه سکونت موقت در خارج از کشور را

1. Rigor

2. Credibility

3. Dependability

4. Confirmability

5. Collaborative Thematic Reflection

در دامنه زمانی چند ماه تا چهار سال داشتند. در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۶۷ نشانگر استخراج شد که این نشانگرها در مرحله دوم، برای انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر بهتر در قالب ۱۷ مفهوم انتزاعی کدگذاری شدند. در مرحله سوم مفاهیم تولیدشده در فرایند کدگذاری ثانویه در قالب ۶ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. مقوله‌های عمده از نظر انتزاعی بودن در سطح بالاتری نسبت به مفاهیم مرحله قبل قرار دارند و عبارت‌اند از: ۱- دافع‌های داخلی و جذابیت‌های کشورهای مقصد از منظر دانشجویان؛ ۲- شرایط اقتصادی؛ ۳- ویژگی‌های فرد مهاجر؛ ۴- مشکلات کشور؛ ۵- جریانات روند مهاجرت؛ ۶- سود فردی و زیان اجتماعی. در فرایند طبقه‌بندی و کدگذاری مفاهیم، ممکن است بین مفاهیم؛ تشابه لغوی وجود داشته باشد یا اینکه بتوان مفهوم را در دو یا چند طبقه‌بندی قرارداد. به وجود آمدن چنین مسائلی در تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی طبیعی است. این موارد به همراه هر کدام از مفاهیم و کدهای مرتبط، در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

جدول (۱) نشانگرها، مفاهیم اولیه و مقوله‌های عمده تولیدشده در مرحله کدگذاری باز
نظریه زمینه‌ای

مقوله‌های عمده	مفاهیم اولیه	نشانگرها	
دافع‌های داخلی و جذابیت‌های کشورهای مقصد از منظر دانشجویان	دافع‌های داخلی	مدرک‌گرایی	۱
		جایگاه نامناسب افراد تحصیل‌کرده	۲
		ناکارآمدی نظام آموزش عالی	۳
		نبود امکانات فنی و تکنولوژیکی	۴
		تشویق اطرافیان به مهاجرت	۵
	جذابیت‌های کشورهای مقصد از منظر دانشجویان	جذب افراد توانمند و استفاده از توانایی ایشان	۶
		بهره‌مندی از فناوری و امکانات پیشرفته	۷
		آزادی‌های گسترده اجتماعی	۸
		قانون‌مداری	۹
		نظم اجتماعی بالا در کشورهای توسعه‌یافته	۱۰
		ارائه تسهیلات برای مهاجران	۱۱
		پذیرش تنوع فرهنگی	۱۲
		اهمیت به شأن انسانی افراد و حمایت‌های اجتماعی از ناتوانان	۱۳
شرایط اقتصادی	مشکلات اقتصادی	بیکاری	۱۴
		نبود امنیت شغلی	۱۵
		ضعف زیرسازهای اقتصادی	۱۶
		ناتوانی بخش دولتی و خصوصی در استخدام	۱۷

مقوله‌های عمده	مفاهیم اولیه	نشانگرها	
ویژگی‌های فرد مهاجر	شرایط خود فرد	سن فرد	۱۸
		رشته تحصیلی فرد	۱۹
		مقطع تحصیلی	۲۰
		کنجکاوی	۲۱
		توانایی فرد در سازگاری با محیط	۲۲
	موقعیت در خانواده	وضعیت تاهل	۲۳
		داشتن فرزند	۲۴
		تعداد فرزندان خانواده	۲۵
		میزان ارتباط با خانواده	۲۶
		مشکلات کشور	مشکلات خارجی
محدودیت‌های جهانی	۲۸		
توسعه‌نیافتگی	۲۹		
مشکلات داخلی	مشکلات سیاسی		۳۰
	ناامیدی از اصلاح وضعیت		۳۱
	مشکلات زیست‌محیطی		۳۲
	مشکلات فرهنگی		۳۳
	ارتباط گرفتن با میزبان (استاد یا شرکت مقصد)		۳۴
جریان‌ات روند مهاجرت	اقدامات فرد	انتخاب کشور	۳۵
		برنامه‌ریزی	۳۶
		آشنایی با زبان مقصد	۳۷
		اجرای پروژه در راستای پروژه‌های در حال انجام در کشور یا دانشگاه مقصد	۳۸
		مراجعه به مؤسسات کاریابی یا اعزام دانشجو به خارج کشور	۳۹
		فراهم کردن موقعیت شغلی مناسب پیش از سفر	۴۰
		مسافرت کوتاه به مقصد برای بررسی دقیق	۴۱
		تهیه مسکن مناسب	۴۲
		ایجاد ارتباط با هم‌میهنان مقیم مقصد	۴۳
	موانع پیش‌رو	زبان	۴۴
		فرهنگ کشور میزبان (نوع روابط اجتماعی، اندیشه‌های مذهبی و نگرش به جنسیت)	۴۵
		داشتن برچسب مهاجر	۴۶
		حمایت نکردن میزبان (استاد، شرکت مقصد و...)	۴۷
بالا بودن هزینه‌های زندگی در مقصد		۴۸	
وابستگی به خانواده		۴۹	
میهن‌دوستی		۵۰	
مشکلات نظام‌وظیفه برای آقایان		۵۱	
سیستم بروکراتیک و پیچیدگی‌های آن		۵۲	

مقوله‌های عمده	مفاهیم اولیه	نشانه‌ها			
مقوله‌های عمده	تسهیل‌کننده‌های مهاجرت	داشتن توان مالی	۵۳		
		حمایت خانواده	۵۴		
		داشتن رابطه در زمینه انجام امور اداری	۵۵		
		داشتن سابقه دوری از خانواده	۵۶		
		همراهی دوستان یا آشنایان	۵۷		
		آشنا داشتن در کشور مقصد	۵۸		
		منافع فردی و مضرات اجتماعی	پیامدهای فردی	کسب تجارب بین‌المللی	۵۹
				استفاده از فرصت پیش‌آمده	۶۰
کسب موقعیت اجتماعی	۶۱				
کسب درآمد	۶۲				
تسریع در روند علمی	۶۳				
دلتنگی	۶۴				
پیامدهای اجتماعی	پیامدهای اجتماعی			خروج نخبگان	۶۵
		هدر رفت هزینه‌های آموزش	۶۶		
		بازگشت جمعی مدعی	۶۷		

در این بخش از پژوهش در جهت اعتبارپذیری داده‌ها در مورد هر کدام از مقوله‌های محوری، توضیح و شواهدی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان مربوط به هر بخش ارائه می‌شود:

-دفاعه‌های داخلی و جذابیت‌های کشورهای مقصد از منظر دانشجویان

مهاجرت به‌عنوان یک فرایند از عوامل متنوعی متأثر است. در این میان دو عامل جاذبه و دافعه که هر یک در بستر عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی است، نقش مهمی را در زمینه علل مهاجرت دارد؛ در این مقوله مدرک‌گرایی، جایگاه نامناسب افراد تحصیل‌کرده، ناکارآمدی نظام آموزش عالی، نبود امکانات فنی و تکنولوژیکی و تشویق اطرافیان به مهاجرت از عوامل دافعه‌های داخلی است. از سوی دیگر، جذب افراد توانمند و استفاده از توانایی ایشان، بهره‌مندی از فناوری و امکانات پیشرفته، آزادی‌های گسترده اجتماعی، قانون‌مداری، نظم اجتماعی بالا در کشورهای توسعه‌یافته، ارائه تسهیلات برای مهاجران، پذیرش تنوع فرهنگی و اهمیت به شأن انسانی افراد و حمایت‌های اجتماعی از ناتوانان از منظر دانشجویان از جذابیت‌های کشورهای مقصد محسوب می‌شود. در این مورد می‌توان به این شواهد اشاره داشت:

مشارکت‌کننده شماره ۴: «مشکل من با سیستم آموزش عالی، واقعاً هدفمند نیست، طوری نیست که بخواد چند تا دانشجوی پخته و باسواد تربیت کنه... از طرفی هم داره یه بی‌انگیزگی قوی به دانشجوها تحمیل می‌کنه، خیلی وقت‌ها به من امکانات نمی‌ده، ندن ولی لاف‌انگیزه منو ازم نگیره»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱: «خانواده خیلی مهمه، مثلاً من یه مدت به شدت می‌خواستم برم؛ ولی خانواده‌ام به شدت مخالف بودن، اجازه ندادن و نهایتاً رأی منم زدن، از اون طرف افرادی هم بودم که خیلی مایل به رفتن نبودن به قدری خانواده اصرار کردن، اونقدر حمایت کردن از لحاظ مادی و معنوی که نهایت بچه‌شون رو فرستادن»؛

مشارکت‌کننده شماره ۲: «من اگر بخوام یه کار درست در مورد موضوعم انجام بدم و سنبل نکنم مجبورم که برم»؛

مشارکت‌کننده شماره ۴: «برادر من الان با مدرک لیسانس ماهی ۲,۵ حقوق می‌گیره در حالی که دوست من با مدرک دکتری داره تو یه شرکت خصوصی کار می‌کنه با ۲ تو من حقوق».

-شرایط اقتصادی

اقتدار تحصیل‌کرده مورد توجه در این پژوهش غالباً افرادی بودند که از نظر اجتماعی و فرهنگی، سطح فکری، احساسات و انتظارات طبقه متوسط مرفه را داشتند و دارای اطلاعات بالا، آشنایی با فناوری‌های جدید و رسانه‌های مدرن بودند؛ ولی از سوی دیگر، متحمل مشکلات اقتصادی، بیکاری و ناامنی شغلی ناشی از ضعف زیرسازهای اقتصادی کشور و ناتوانی بخش دولتی و خصوصی در استخدام بودند که ایشان را مجبور می‌کرد از حیث اقتصادی هم‌ردیف طبقات پایین اجتماع باشند؛ یعنی در مناطق حاشیه‌ای سکونت داشتند و در مشاغل دون‌پایه، کم‌درآمد و نیمه‌وقت مشغول بودند. در این مورد می‌توان به شواهد زیر اشاره کرد:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «من اگر می‌تونستم یه سال دیگه‌ام رو تو ایران پیش‌بینی کنم ایران برای من بهترین جای دنیا بود؛ اینجا ممکنه شب که می‌خوابی یه آدم ماهیه دار تلقی بشی، صبح بلند شی ببینی کل سرمایه‌ات دود شد رفت هوا»؛

مشارکت‌کننده شماره ۳: «برای منی که تو دوره دکترا مشغول به تحصیلم بحث شغلی خیلی مطرحه، الان من خودم بزرگ‌ترین دغدغه‌ام شغله»؛

مشارکت‌کننده شماره ۶: «نگیزه جدی که برای ما مطرح اینکه ما هیچ امنیت روانی، فرهنگی و سیاسی تو این جامعه نمی‌بینیم، مسیری که جامعه از نظر سیاسی داره میره، قابل تأیید نیست، بالطبع اون جریان‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه هم مسیر درستی نداره»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: «من اینجا چه آینده کاری دارم؟ هیچی؛ اما اونجا حتی اگر قرار باشه پولی که به من بدن نصف حقوق شهروندشون باشه باز به قراردادی با آدم می‌بندن».

-ویژگی‌های فرد مهاجر-

هر چند عوامل بسیاری زمینه‌ساز مهاجرت فرد می‌شوند؛ اما عامل و فاعل اصلی این فرایند خود شخص است. این ویژگی‌های شخصی، اجتماعی، روانی و خانوادگی فرد است که در نهایت باعث می‌شود فرد بین مهاجرت یا ماندن دست به انتخاب بزند. اگر شخص تأثیر علل مختلف را نادیده بگیرد می‌تواند تمایل مهاجرت را از بین ببرد و ماندن را انتخاب کند. در این مورد می‌توان به این شواهد اشاره داشت:

مشارکت‌کننده شماره ۲: «من چون مامانم تک‌فرزنده و من تنها دخترش هستم اصلاً به این فکر نمی‌کنم که برم بمونم ترجیح میدم جایی کنار مادرم باشم»؛

مشارکت‌کننده شماره ۵: «اینکه آدم به جایی از دنیا متولد میشه این ایده رو بهش نمیده که تا ابد همونجا باشه، آدم باید سفر کنه خیلی چیزها رو ببینه ... من خودم شخصاً خیلی آدم کنجکاوی هستم دوست دارم تا جایی که ممکنه چیزهای جدید رو تجربه کنم»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: «من مشکل دلتنگی ندارم چون ما دو جین بچه هستیم، منم از پانزده سالگی از خانواده جدا شدم دیگه هر چی دلتنگی بوده تو این مدت تموم شده (با خنده)»؛

مشارکت‌کننده شماره ۵: «با توجه به تعریفی که شنیدم آلمان دارای اقتصاد قدرتمند، دانشگاه‌های معتبر و ... دوست دارم برم و از نزدیک ببینم چیزهایی که شنیدیم چقدر واقعیت دارن»؛

-مشکلات کشور-

عواملی نظیر نبود ثبات اقتصادی و سیاسی، نبود آزادی‌های سیاسی، احساس ظلم و بی‌عدالتی در کشورهای در حال توسعه از علل رایج مهاجرت نخبگان هستند؛ چراکه افراد در شرایط انتخاب ترجیح می‌دهند در جامعه‌ای زندگی کنند که حقوق

ایشان از هر جهت رعایت شود (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). متأسفانه مشکلات موجود در کشور در سال‌های اخیر تأثیر بسزایی در مهاجرت داشته است. این مشکلات در دامنه وسیعی از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی قرار دارد که در پژوهش حاضر با مفاهیمی چون: تحریم اقتصادی و به تبع آن محدودیت‌های جهانی، توسعه‌نیافتگی، مشکلات سیاسی، ناامیدی از اصلاح وضعیت، مشکلات زیست‌محیطی و مشکلات فرهنگی عجین شده است. در این مورد می‌توان به این شواهد اشاره کرد:

مشارکت‌کننده شماره ۸: «من به مقاله‌ای رو که مال سال ۱۹۹۴ هست به استادم پیشنهاد دادم می‌گه امکاناتش رو نداریم. متوجه هستین؟! اونا سال ۱۹۹۴ به دستگاهی داشتن که ما الآن تو سال ۲۰۱۷ اونو نداریم... چرا؟ چون تحریم هستیم»؛

مشارکت‌کننده شماره ۳: «آدم آزادی داره، هم از نظر پوششی، هم رفتاری، اونجا می‌توننی خودت باشی و تو رو از تظاهر به چیزی که نیستی رها می‌کنه، اینجا تو باید چیزی باشی که نیستی ولی اونجا خود واقعیت رو نشون می‌دی»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱۴: «من احساس می‌کنم جامعه ما داره به سمت خطرناکی میره، از لحاظ بهداشت، غذا و دارو؛ هیچ‌چیز امنیت نداره حتی آب و هوایی که شما تنفس می‌کنید»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱۷: «اینجا شما هر چقدر هم قوی باشی وقتی تنها هستی عملاً کار خاصی نمی‌توننی انجام بدی، پس من و امثال می‌ریم که اگلاً اگر تونستیم، اونجا مفید باشیم».

- جریان‌ات روند مهاجرت

قطع به یقین، همه نوع مهاجرت، دربردارنده مشکلاتی از جمله تفاوت با زبان و فرهنگ کشور میزبان، داشتن برجسب مهاجر، عدم حمایت میزبان (استاد، شرکت مقصد و...)، بالا بودن هزینه‌های زندگی در مقصد، وابستگی به خانواده، میهن‌دوستی و مشکلات نظام‌وظیفه برای آقایان و نظام بروکراتیک و پیچیدگی‌های آن است که مستلزم حرکت در مسیر فرایندهای اداری و غیر اداری است؛ از جمله: انتخاب کشور، ارتباط گرفتن با میزبان (استاد یا شرکت مقصد)، برنامه‌ریزی و آشنایی با زبان مقصد است که البته در کنار این مسائل تسهیل‌کنندگانی از طیف مالی تا روانی قرار دارند. در پژوهش حاضر در قالب داشتن توان مالی، حمایت خانواده، داشتن رابطه در زمینه انجام امور اداری، داشتن سابقه دوری از خانواده، همراهی دوستان یا آشنایان و آشنا

داشتن در کشور مقصد نشان داده شده است. در این مورد می‌توان به این شواهد اشاره کرد:

- مشارکت‌کننده شماره ۸: «موضوع برای خیلی بیشتر از کشور مهمه، اولویت اول من اینکه که باید استادی رو پیدا کنم که رو موضوعی که من دوست دارم کار کنه»؛
- مشارکت‌کننده شماره ۱: «من قصد مهاجرت دائم ندارم، دل‌بستگی‌های زیادی اینجا دارم و به شدت به خانواده‌ام وابسته‌ام جوری که به هیچ‌وجه نمی‌تونم مدت زیادی از شون دور باشم»؛
- مشارکت‌کننده شماره ۴: «من از همین الآن مکاتبات رو با استادی که اونجا دارم شروع کردم، دارم کارهایی رو کردم براش می‌فرستم که پذیرش من رو قبول کنه»؛
- مشارکت‌کننده شماره ۵: «یکی از دوستای صمیمی من رفته به دانشگاه خوب تو سوئیس خیلی راضیه و همه چیز براش اوکی بوده، البته اون به این مسئله هم ارتباط داشته که دانشگاهی که اون رفته کلی ایرانی دیگه هم اونجا هستن تو شهری که کلی ایرانی اونجا زندگی می‌کنن»؛
- مشارکت‌کننده شماره ۹: «مشکل من اینکه من الآن مشمولم، کلی دردسر برام درست شده».

-منافع فردی و مضرات اجتماعی

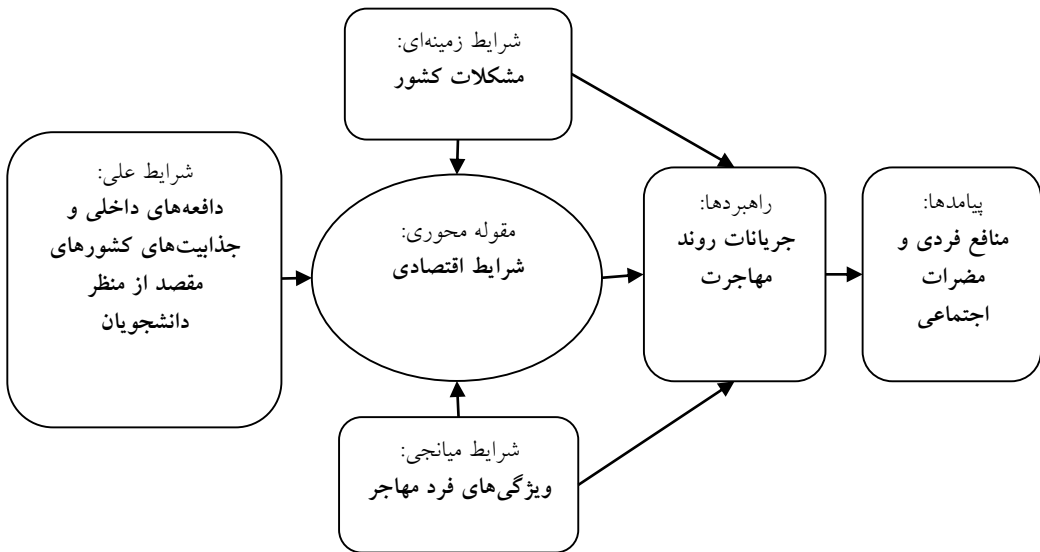
مهاجرت به هر شکل، پیامدهای فرد و کشور مبدأ را به همراه دارد که در پژوهش حاضر غالباً برای فرد پیامدهای مثبت مانند کسب تجارب بین‌المللی، استفاده از فرصت پیش آمده، کسب موقعیت اجتماعی، کسب درآمد، تسریع در روند پایان‌نامه و درنهایت دل‌تنگی را به همراه داشته و علیرغم نظریه‌های جدید در مورد مهاجرت نخبگان برای کشور، پیامدهای منفی چون خروج نخبگان، هدررفت هزینه‌های آموزش و بازگشت جمعی مدعی را به بار آورده است. در این مورد می‌توان به این شواهد اشاره کرد:

- مشارکت‌کننده شماره ۵: «محیط اون ور رو هم تجربه می‌کنم، آموزش‌های جدید رو هم می‌بینم، هر جایی تجربیات خاص خودش رو داره... میخام به تجربه متفاوت کنار این تجربه‌ام داشته باشم»؛
- مشارکت‌کننده شماره ۱: «فرصتی هست که وزارت علوم در اختیار من قرار داده، حمایت مالی هم در نظر گرفته چرا استفاده نکنم، در صورتی که نیاز هم هست»؛

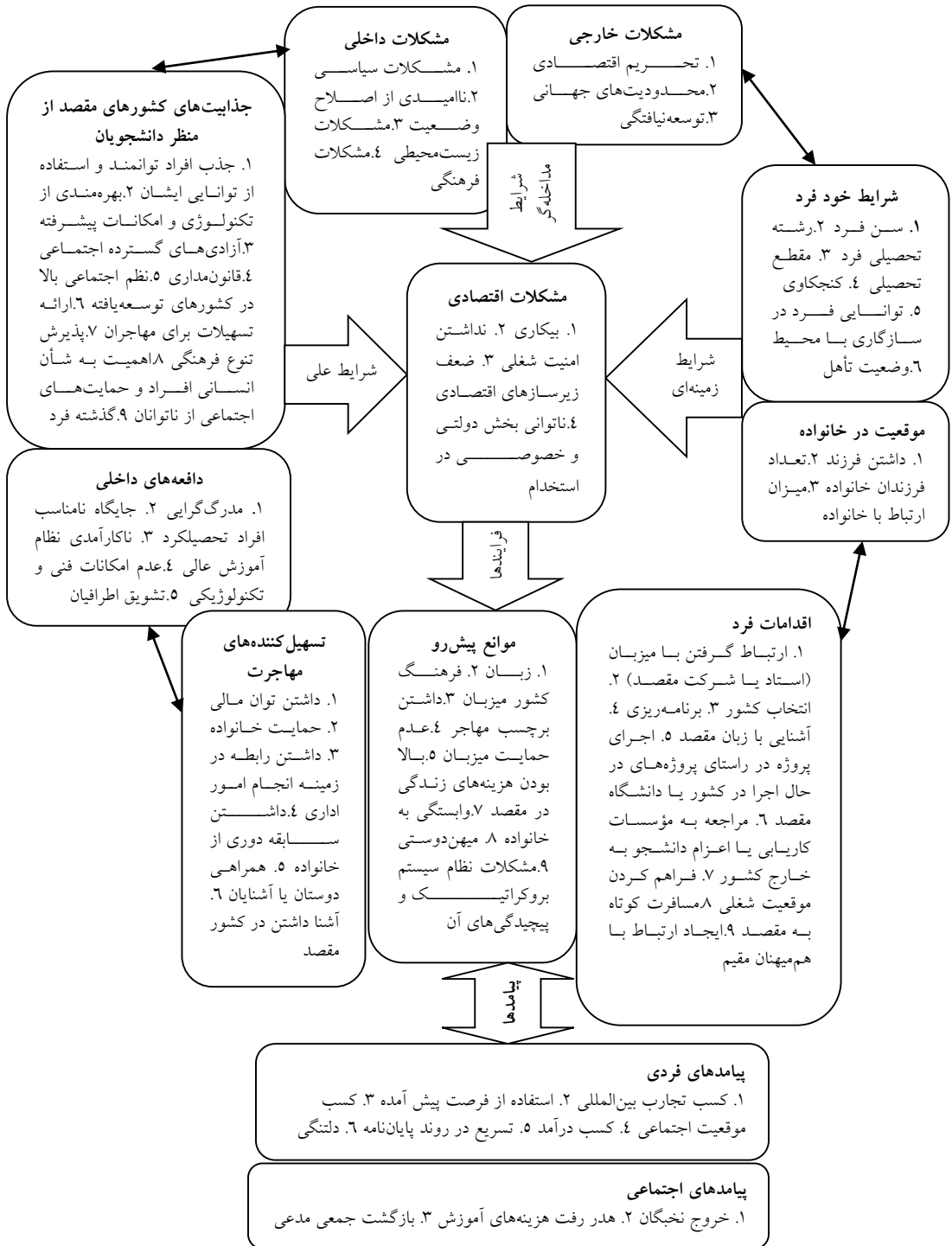
مشارکت‌کننده شماره ۷: «من قراره اونجا با گروهی کار کنم که خودشون یه سری کد نوشتن منم ازشون یاد می‌گیرم و استفاده می‌کنم بعد که برگشتم سریع می‌تونم دفاع کنم»؛

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: «به نظر من خیلی‌ها که دارن میرن بخصوص اونایی که می‌خوان برگردن به خاطر موقعیت اجتماعیش دارن میرن، میرن که وقتی برگشتن با این عنوان شناخته بشن که طرف تجربه بین‌المللی داره».

در این مرحله، پژوهشگر معمولاً پدیده مورد بررسی را مشخص و ارتباطی منطقی و علی بین مقوله محوری و سایر مقوله‌ها برقرار می‌کند. در این مرحله از کدگذاری، پژوهشگر مقوله‌های شرایطی، فرایندی و پیامدی را تعیین می‌کند. در شکل‌های (۱) و (۲) به ترتیب الگوی اکتشافی و تفضیلی گرایش دانش‌پژوهان جوان به تحصیل و اشتغال در خارج از کشور آمده است.



شکل (۱) الگوی اکتشافی گرایش دانش‌پژوهان جوان به تحصیل و اشتغال در خارج از کشور



نتیجه‌گیری

گزارش پژوهش‌های کیفی، از موارد اختلاف‌برانگیز بین صاحب‌نظران این‌گونه پژوهش‌هاست. در بیشتر پژوهش‌هایی که از روش نظریه زمینه‌ای استفاده می‌کنند، دو مرحله اول کدگذاری یعنی مرحله کدگذاری باز و محوری را به‌عنوان یافته‌های پژوهش و مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی را به‌عنوان نتیجه‌گیری در گزارش می‌کنند (محمودپور، ۱۳۹۳)؛ لذا در این پژوهش با توجه به استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، مرحله نهایی کدگذاری به‌عنوان نتیجه‌گیری گزارش شده است.

در قالب کدگذاری انتخابی می‌توان این‌گونه تشریح کرد: زمانی که دانشجو در جامعه‌ای زندگی می‌کند که اغلب افراد آن تحصیل کرده هستند و بر سر پست‌های تدریس در دانشگاه و سمت هیئت علمی شدن بین افراد رقابت وجود دارد، یکی از مسیرهای که می‌توان در این مسابقه برنده بود، داشتن سابقه تحصیل در یک کشور خارجی و مدرکی بین‌المللی است؛ پس یک فرد تحصیل کرده که به صرف داشتن مدرک دکتری نمی‌تواند جایگاه مناسب برای خود کسب کند، می‌کوشد از فرصتی که دانشگاه بنا بر قوانین در اختیارش قرار داده استفاده کند یا خود با هزینه شخصی این فرصت را برای خود فراهم آورد؛ البته این مسئله می‌تواند برای افرادی که در رشته آزمایشگاهی مشغول به تحصیل هستند هدف دیگری نیز داشته باشد؛ از آنجا که کشور ما متأسفانه در شرایط تحریم قرار گرفته و از سوی دیگر، دچار نقص عمده در تجهیزات آزمایشگاهی است؛ لذا دانشجویان این رشته‌ها الزاماً به سفر و استفاده از تجهیزات کشورهای مقصد نیاز دارند؛ اما این تنها یک جنبه مسئله است، کشورهای مقصد نیز شرایطی را فراهم آورده‌اند که مسیر حرکت این قشر را آسان کرده است، از آمادگی زیرساخت‌های فرهنگی تا تدوین قوانینی برای حمایت از تنوع جمعیتی. مشکلات زیست‌محیطی، سیاسی و فساد اداری نیز از دیگر دافعه‌های ساختاری کشورمان محسوب می‌شود که باعث می‌شود دانشجویی که نتوانسته جایگاه مناسبی را برای خویش بیابد، به دنبال فرصت‌هایی برای تغییر محیط خود باشد، جایی که از توانایی‌های او به‌درستی استفاده شود؛ مطمئن باشد بر اساس قانون و شایستگی‌هایش می‌تواند به جایگاه مناسب برسد و استعدادها و توانایی‌هایش بی‌ثمر نخواهند بود. در این میان اگر فرد تجربه زندگی دور از خانواده را داشته باشد و این توانایی را در خود ببیند که می‌تواند دور از خانواده زندگی مستقلی داشته باشد و جای خالی آنها را نادیده بگیرد یا حتی مجرد باشد و پیوستگی عاطفی خاصی در وطن خود نداشته باشد

یا حتی پیوند عاطفی مناسبی با خانواده خویش نداشته باشد، به سادگی به انتخاب کشوری دیگر برای تحصیل یا کار اقدام می‌کند. همه موارد عنوان شده مانند تلاش برای کسب مدرک، استفاده از تجهیزات سایر کشورها برای دستیابی به مهارت و اخذ مدرک به سازه‌های دیگر مرتبط است که در پس‌زمینه این موارد قرار گرفته است؛ دستیابی به شغلی مناسب که در قالب مشکلی به نام بیکاری قرار گرفته است. ما هم‌اکنون با قشری عظیم از افراد تحصیل‌کرده روبرو هستیم که برخی در مشاغل نامرتب با رشته تحصیلی خود یا حتی نامناسب، مشغول به کار هستند، سازمان‌های دولتی به سختی تن به استخدام این افراد می‌دهند و سازمان‌های خصوصی توان استخدام و حمایت‌های بیمه‌ای این افراد را ندارند، رابطه‌ها توانسته جای ضابطه‌ها را حتی در این اندک میزان استخدام‌ها بگیرد؛ همه این موارد نشان از نداشتن ساختار درست در رفع مشکل بیکاری دارد و دانشجویان سطوح تکمیلی بیش از همه خود را متضرر از این مشکلات ساختاری می‌دانند و به دنبال دنیایی هستند که بتوانند بر اساس شایستگی‌های خود به این حقوق خود دست یابند. گذشته از تمامی دلایلی که برای مهاجرت عنوان شد افراد برای رسیدن به مقصود خویش در این باب روش‌های متنوعی را در پیش می‌گیرند که بسته به توانایی مالی ایشان، داشتن اقوامی در کشور مقصد، آگاهی از روند اداری، حمایت مالی خانواده یا آشنایان، کسب موقعیت کاری مناسب در مقصد و حتی داشتن فرد آگاهی که بتواند در روند انجام امور اداری در ایران به ایشان یاری رساند متفاوت است. اما در این راه مشکلاتی را نیز باید متحمل شوند از جمله آشنایی با فرهنگ و زبان و قوانین مقصد است که در این زمینه مشکلات فراوانی رخ می‌دهد و اغلب افراد مهاجر حداقل شش ماه زمان برای آشنایی مقدماتی با موارد مذکور نیاز دارند. حال پس از گذران این مسائل فردی که اقدام به مهاجرت کرده و در کشور میزبان سکنی گزیده، مشکلاتی را تحمل کرده است چه نتایجی را کسب می‌کند؟ این دستاوردها را در دو بخش می‌توان مورد بحث قرار داد. ابتدا نتایج فردی: زمانی که از نتایج سخن گفته می‌شود به‌طور حتم سخن از نتایج مثبت و منفی به‌صورت توأمان است و تنها به دستاوردها توجه نمی‌شود. اولین نتیجه‌ای که می‌توان از آن سخن راند دلتنگی است؛ دلتنگی برای اعضای خانواده یا شهر و کشوری که موطن فرد است و فرد به آن تعلق خاطر دارد؛ اما این سفر برای فرد نتایج مثبت فراوانی را نیز به همراه دارد مانند کسب تجارب بین‌المللی، کسب موقعیت اجتماعی در بازگشت، کسب درآمد و تسریع در روند پایان‌نامه. این نقطه

مکانی است که فرد با نگاه به دافعه‌ها کشور خود و جاذبه‌های کشور میزبان و تمام مسیر پشت سر، باید انتخابی بین بازگشت یا ماندن دائمی داشته باشد و مسلماً انتخابی راحت نیست برای کسانی که توانسته‌اند جایگاهی مناسب برای خود بیابند. البته این تنها یک جنبه این مرحله است، از منظر توجه به نتایج این مرحله برای اجتماع مسئله شکل دیگری به خود می‌گیرد. اگر این افراد تصمیم به بازگشت بگیرند جامعه گاه با افرادی توانمند که می‌توانند به رفع مسائل کشور در بخشی تخصصی کمک کنند، برخورد می‌کند و گاه با افرادی روبه‌رو می‌شود که نتوانسته‌اند شایستگی‌های خویش را محقق کنند تمام فرصت‌های از دست رفته‌شان را در بازگشت از میهن می‌خواهند؛ از سوی دیگر، جامعه با از دست دادن دانش‌پژوهان خود فارغ از میزان توانایی‌شان، بخش زیادی از سرمایه صرف شده برای این افراد در دوره تحصیلی رایگان و دانشگاه را از دست می‌دهد و چه بسا این افراد همان کسانی باشند که برای آبادی این سرزمین نیاز هستند؛ در حالی که دیگر حاضر به بازگشت نیستند.

پس از این مرحله داستان‌گونه پژوهش، زمان آن است که همسویی یا ناهمسویی این روایت تبیین شود. در بخش شرایط علی این پژوهش، این الگو با نظریه اورت لی^۱ (۱۹۶۶) هماهنگ و همسو است که عوامل جاذبه کشورهای میزبان و دافعه کشورهای مقصد را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش جانعلیزاده چوب‌دستی و همکاران (۱۳۹۵) و جوادزاده (۱۳۹۴) نیز همسویی دارد؛ از آنجا که این پژوهش‌ها همسو با نتایج پژوهش حاضر عوامل اجتماعی را با مهاجرت مرتبط می‌دانند. در بخش شرایط زمینه‌ای، مشکلات کلی با طیف عوامل مشکلات داخلی و تحمیل شده خارجی وجود دارد که در بخش کدگذاری انتخابی به آنها اشاره شد. حاتمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در نتایج پژوهش خود اشاره داشتند به نبود امکانات، بحران‌های اقتصادی، نبود امکانات علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی که اغلب ناشی از عواقب تحریم اقتصادی ایران است و از این جهت با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد. اینایتا و همکاران (۲۰۱۲) و بردتمن و همکاران (۲۰۱۹) نیز در نتایج پژوهش‌های خود به عواملی چون عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی در تشدید مهاجرت نخبگان پرداخته‌اند که همسو با نتایج این پژوهش است. در زمینه

^۱. Everett Lee

شرایط مداخله‌گر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی شرایط خود فرد و نحوه ارتباط فرد با خانواده در این زمینه تأثیرگذار است؛ در این زمینه نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش جوادزاده (۱۳۹۴) که نشان می‌دهد بین سبک زندگی ایرانی و مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد و همین‌طور پژوهش لو و همکاران (۲۰۰۹) که نشان می‌دهد ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان، ویژگی‌های روانی، ایشان در مهاجرت تأثیرگذار است، همسویی دارد. مقوله محوری این پژوهش بر شرایط اقتصادی و بیکاری تأکید دارد و از این منظر با پژوهش‌های میهی-رایمرز و کامپیکیت (۲۰۱۴) همخوان است که نشان داده انگیزه اصلی مهاجرت دلایل اقتصادی است. همین‌طور با نتایج پژوهش عسگری (۲۰۱۱)، زینویوا و همکاران (۲۰۱۴)، بردتمن و همکاران (۲۰۱۹) و سیکیریسکی و همکاران (۲۰۱۸) همسویی دارد که نشان دادند عوامل اقتصادی چون درآمد سرانه واقعی، بیکاری، درجه باز بودن اقتصاد و مشارکت بخش خصوصی بر فرار مغزها اثرگذار است. مرحله فرایندهای این پژوهش به موانع، تسهیل‌کننده‌ها و اقدامات فرد برای مهاجرت مرتبط است اما پژوهشی در خصوص اینکه فرد چه اقداماتی را انجام می‌دهد یا تسهیل‌کننده‌ها یا موانع به دست نیامد تا همسویی یا ناهمسویی آن مورد بررسی قرار گیرد. برای تبیین این مسئله می‌توان گفت در پژوهش‌های داخلی به این نوع مهاجرت بیشتر به‌عنوان مشکلی نامطلوب دیده می‌شود و به دنبال چرایی این مسئله هستند در حالی که پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای مقصد به دنبال پیامدهای مفید یا سوء این اتفاق هستند. نتایجی که در الگوی پژوهش حاضر به دست آمد شامل پیامدهای فردی و اجتماعی است و با نتایج پژوهش حری و همکاران (۱۳۹۴) همسویی دارد که نشان دادند فرار مغزها آثار منفی بر تولید و تجارت خارجی کشور در عرصه بین‌المللی بر جای می‌گذارد. در مورد آثار مثبت در توسعه فردی مهاجران نیز با نظریه گردش مغزی همسویی به دست آمد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، برای ادامه روند پژوهش پیشنهاد می‌شود، با توجه به این نکته که اغلب موارد به‌صورت جداگانه بررسی شده در ایران غالباً بر نکات منفی مهاجرت نخبگان متمرکز شده است -همان‌طور که پژوهش حاضر نیز به‌نوعی آثار منفی را بیشتر گزارش کرده است- پیامدهای مثبت این روند نیز بررسی شود شاید راهگشای بهره‌برداری از روند جاری در جهت توسعه ملی باشد؛ همین‌طور، مسائل زیست‌محیطی و فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از عوامل این مهاجرت مورد توجه قرار گیرند که در غالب پژوهش‌ها مغفول مانده است. در زمینه کاربرد نیز با توجه به این

نکته که در پژوهش حاضر، عامل اقتصادی به‌عنوان عامل محوری شناخته شد به برنامه‌ریزان کلان در این مسئله پیشنهاد می‌شود راهکارهای عملیاتی در جهت حل مشکلات نخبگان ارائه دهند. با وجود دقت و اعتباریابی این پژوهش با توجه به استقرایی بودن روند اجرای نظریه داده بنیاد، تعمیم نتایج پژوهش حاضر باید با احتیاط صورت گیرد.

منابع

- اشتراوس، آنسلم و جولیت، کوربین (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای؛ مترجم ابراهیم افشار (۱۳۹۵). تهران: نشر نی.
- برومندزاده، محمدرضا و نوبخت، رضا (۱۳۹۶). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت. جمعیت، ۸۹ و ۹۰، ۷۳-۹۰.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ علی‌وردی‌نیا، اکبر و پورقاضی، شیوا (۱۳۹۵). شیوه‌های اثربخش در پیشگیری از برون کوچی نخبگان علمی (مطالعه موردی: استان مازندران). مجلس و راهبرد، ۸۶، ۱۱۹-۱۴۷.
- جوادزاده، پدram (۱۳۹۴). علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا. مجله مدیریت فرهنگی، ۲۸، ۹۵-۱۱۲.
- حاتمی، علی؛ جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور: «مطالعه موردی دانشجویان دختر مراجعه کننده به مراکز اعزام به خارج دانشجو شهر شیراز». زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۲ (۱۰)، ۵۵-۸۰.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- حری، حمیدرضا؛ جلائی، سید عبدالمجید و حمزه‌نژاد، نسیم (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرار مغزها بر تولید و تجارت خارجی ایران با استفاده از یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه. فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۱، ۲۵-۴۴.
- خبرگذاری تابناک (۱۳۹۶). ۱۱ کشور با بیشترین میزان فرار مغزها. کد خبر: ۷۱۷۵۹۱.
<http://www.tabnak.ir/fa/news/717591>
- خسروی، کوروش؛ راستی برزکی، مرتضی و مهدوی، حمید (۱۳۸۹). انتقال فناوری از طریق مدل چرخش مغزها در پارک‌های علم و فناوری. رشد فناوری، ۶ (۲۲)، ۴۷-۵۴.
- سلامت‌نیوز (۱۳۹۴). فرار مغزها ۲ برابر درآمد نفتی به اقتصاد ایران زیان می‌زند. کد خبر: ۱۵۸۸۷۲. قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.salamatnews.com/news/158872>

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ سپهردوست، حمید و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۱). تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته. *سیاست علم و فناوری*، ۱۷، ۸۷-۹۹.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ کریم کشته، محمدحسین و محمودی، عبدالله (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران). *پژوهشنامه بازرگانی*، ۳۹، ۲۹-۳۷.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۳). تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت نخبگان). *مجلس و راهبرد*، ۲۱ (۷۷)، ۴۱-۶۹.

شیری، طهمورث و شاهمرادی، منصوره (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان ویژگی‌های جمعیت شناختی و گرایش به مهاجرت خارج از کشور (در میان دانشجویان دختر محصل تحصیلات تکمیلی دانشگاه ارم شیراز). *فصلنامه جغرافیا*، ۱۴، ۱۰۴-۱۲۱.

صادقی، عباس و افقی، نادر (۱۳۸۴). نقش دانشگاه‌ها در کاهش مهاجرت نخبگان. *فصلنامه رهیافت*، ۳۶، ۲۱-۷۶.

عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱)، ۱۹-۳۴.

عزیزی، محمدحسین؛ عزیزی، فرزانه و فرزی، فریده (۱۳۹۳). اعزام دانشجویان پزشکی ایران به خارج از کشور تحت حمایت دولت (۱۸۱۱-۱۹۳۵). *خردنامه*، ۱۲، ۱۳۲-۱۱۳.

کرسول، جان دبلیو. (۱۹۴۵). *روش و طرح تحقیق کیفی*؛ ترجمه حسنقلی‌پور، طهمورث، الهیاری و براری (۱۳۹۴). تهران: نگاه دانش.

محمودپور، بختیار (۱۳۹۳). *تجاری‌سازی تحقیق: با تأکید بر حوزه علوم انسانی*. تهران: موزه علوم و فناوری جمهوری اسلامی ایران.

نیازی، صغری (۱۳۸۶). *بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان دختر با گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

Asgari, H. (2011). An Investigation of Brain Drain from Iran to OECD Countries Based on Gravity Model. *Iranian Economic Review*, 15 (29), 89-99.

- Baas, M. (2006). Students of migration: Indian overseas students and the question of permanent residency. *People & Place*, 14 (1), 8.
- Bredtmann, J.; Martínez Flores, F. & Otten, S. (2019). Remittances and the brain drain: Evidence from microdata for Sub-Saharan Africa. *The Journal of Development Studies*, 55 (7), 1455-1476.
- Butcher, A. P. (2004). Educate, consolidate, immigrate: educational immigration in Auckland, New Zealand. *Asia Pacific Viewpoint*, 45 (2), 255-278.
- Carrasco, R. & Ruiz-Castillo, J. (2018). *Governance, brain drain, and brain gain in elite academic institutions in economics. The case of Spain*. Working papers.
- Cattaneo, M.; Malighetti, P. & Pleari, S. (2019). The Italian brain drain: cream and milk. *Higher Education*, 77 (4), 603-622.
- Di Maria, C. & Lazarova, E. A. (2012). Migration, human capital formation, and growth: An empirical investigation. *World Development*, 40 (5), 938-955.
- Djajic, S.; Docquier, F. & Michael, M. S. (2018). Optimal Education Policy and Human Capital Accumulation in the Context of Brain Drain. Working Papers P224, FERDI.
- Docquier, F. & Rapoport, H. (2012). Globalization, brain drain, and development. *Journal of Economic Literature*, 50 (3), 681-730.
- Dustmann, C. & Preston, I. P. (2007). Racial and economic factors in attitudes to immigration. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 7 (1), 1-41.
- Goldstein, R.; Shaw, T. V.; Bloomfield, A.; Preston, A. M. & Henneberger, M. A. K. (2018). Brain Drain in Maryland: Exploring Student Movement from High School to Postsecondary Education and the Workforce.
- Gouda, P.; Kitt, K.; Evans, D. S.; Goggin, D.; McGrath, D.; Last, J. ... et al (2015). Ireland's medical brain drain: migration intentions of Irish medical students. *Human Resources for Health*, 13 (1), 11.
- Hornstein Tomić, C. & Taylor, K. (2018). Youth unemployment, the brain drain and education policy in Croatia: A call for joining forces and for new visions. *Policy Futures in Education*, 16 (4), 501-514.
- Inayati, T.; Arai, T. & Sarjono, P. U. (2012). Simulation Analysis of Brain Drain Phenomena from Indonesia Using System Dynamics. *International Journal of BRIC Business Research (IJBBR)*, 1 (1).

- Kyvliuk, O. & Svyrydenko, D. (2017). Academic mobility as “brain drain” phenomenon of modern higher education. *Studia Warmińskie*, 54, 361-371.
- Lee, Everett S. (1966). A Theory of Migration. *Journal of Demography*, 3 (1), 47-57.
- Lu, Y.; Zong, L. & Schissel, B. (2009). To stay or return: Migration intentions of students from People’s Republic of China in Saskatchewan, Canada. *Journal of International Migration & Integration/Revue de l'integration et de la migration internationale*, 10 (3), 283-310.
- Mihi-Ramirez, A. & Kumpikaite, V. (2014). Economics reason of migration from point of view of students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 109, 522-526.
- Sá, C. M. & Sabzalieva, E. (2018). The politics of the great brain race: public policy and international student recruitment in Australia, Canada, England and the USA. *Higher Education*, 75 (2), 231-253.
- Salmani, A.; Taleghani, GH. & Taatian, A. (2011). Perception of social justice implication in brain drain management in Iranian educational institutions. *Education, Business & Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 4 (1), 19-32.
- Shin, G. W. & Moon, R. J. (2018). *From Brain Drain to Brain Circulation and Linkage*. A Shorenstein APARC Working Paper). Retrieved from: <https://fsi.stanford.edu/publication/brain-drain-brain-circulation-and-linkage>.
- Siekierski, P.; Lima, M. C. & Borini, F. M. (2018). International mobility of academics: brain drain and brain gain. *European Management Review*, 15 (3), 329-339.
- Walden, S. E. & Foor, C. (2008). “What's to keep you from dropping out?” Student Immigration into and within Engineering. *Journal of Engineering Education*, 97 (2), 191-205.
- Zinovyeva, N.; Felgueroso, F. & Vazquez, P. (2011). Immigration and Students’ Achievement in Spain: Evidence from PISA. *Documento De Trabajo*, 2008, 37.